

«ضربه بی‌سابقه و سخت» کرده است، صرفاً تفوق اطلاعاتی و نظامی نیست که البته مؤثر هم است، بلکه این است که نگذاشت رقیبش بی‌به افزایش فاصله در توانایی اطلاعاتی و نظامی برود و محاسبات دفاعی و تهاجمی خود را بر مبنای درگیری‌های پیشین جلو ببرد. این سبک غافلگیری درس بزرگی برای دولت‌هایی است که گاه پیش از افزایش ارتقاء - به واقعیت یا مبالغه - در مورد روش‌ها و توانایی‌های خویش مغرورانه به دشمن «پیش‌آگاهی» می‌دهند.

وضعیت کنونی بین اسرائیل و گروه‌های مقاومت ناشی از به هم خوردن سطح توازن است. از یک طرف حزب‌الله با هدف شکل‌نگرفتن جنگی فراگیر از واکنش‌های سنگین به ترورهای قبلی پرهیز کرد و در کنار سطحی از واکنش می‌خواست تا تداوم فرسایشی کردن جبهه شمال برای اسرائیل و به تبع آن انباشت تدریجی دستاوردهای میدانی راهبرد خود را پیش ببرد. اما ارتش و دولت اسرائیل از یک طرف تداوم وضعیت فرسایشی بی‌سابقه در شمال را در آستانه یک‌سالگی برای خود به‌ویژه در سایه اعتراضات مستمر شهرک‌نشینان کوچک کرده از شهرک‌های مرزی غیرقابل تحمل دانسته و تصویر تخلیه بخشی از مناطق شمالی بدون تغییر این معادله فرسایشی را مکمل هفتم اکتبر می‌دانست. از دیگر سو، دولت اسرائیل پس از تداوم یک‌ساله بن‌بست در غزه و شکست مذاکرات، با درک نگرانی طرف مقابل نسبت به وقوع جنگی تمام‌عیار و پرهیز از افزایش متقابل سطح تنش و همچنین وجود فرصتی برای کسب دستاوردهای امنیتی تصمیم گرفته که تمرکز خود را بر جبهه شمالی برای متوقف کردن جنگ فرسایشی حزب‌الله منتقل کند. اکنون حزب‌الله در کنار ادامه حملات فرسایشی، احتمالاً خود را ناچار به پاسخ شدید به اسرائیل برای جلوگیری از تغییر تصاعدی قواعد درگیری و موازنه می‌بیند. اما جدا از اینکه با وضعیت پیش‌آمده تا چه اندازه چنین پاسخی هم اکنون میسر است، اما انجام آن ممکن است موجب شعله‌ور شدن همان جنگ تمام‌عیاری شود که حزب‌الله پاسخ‌های قبلی خود را معطوف به عدم وقوع آن تنظیم می‌کرد و اگر هم واکنشی در خور نشان داده نشود، اسرائیل جری‌تر از قبل شده و جلوتر می‌آید؛ در حالی که به گفته برخی ناظران اگر قبلاً به اولین اقدام قاعده‌شکن اسرائیل در جبهه شمالی همان پاسخی که اکنون حزب‌الله بیش از هر زمانی ناچار به آن است، داده می‌شد، احتمال اینکه موجب جنگی گسترده شود، کمتر از امروز بود و از سوی دیگر، احتمالاً اسرائیل را در حرکت به جلو به درنگ و توقف وامی‌داشت. شاید هر کسی در بدو امر خواهد بگوید ایران چه کار کند، فکر می‌کند ایران باید وارد درگیری نظامی مستقیم و رودررو با اسرائیل شود؛ در حالی که لزوماً چنین نیست و این یک دید نادرست است. ایران اگر می‌خواست وارد درگیری مستقیم برای ایجاد عوامل بازدارنده یا تأمین منافعش در خاور میانه شود، برای کمک به نیروهای مقاومت این همه هزینه و سرمایه‌گذاری نمی‌کرد تا بتواند به اهداف خود برسد. بنابراین ایران در درجه اول باید تلاش کند

نصرت‌الله تاجیک:

شاید هر کسی در بدو امر خواهد بگوید ایران چه کار کند، فکر می‌کند

ایران باید وارد درگیری نظامی

مستقیم و رودررو

با اسرائیل شود؛

در حالی که لزوماً

چنین نیست و این

یک دید نادرست

است. ایران اگر

می‌خواست وارد

درگیری مستقیم

برای ایجاد عوامل

بازدارنده یا

تأمین منافعش در

خاورمیانه شود،

برای کمک به

نیروهای مقاومت

این همه هزینه و

سرمایه‌گذاری

نمی‌کرد تا بتواند به

اهداف خود برسد.

بنابراین ایران در

درجه اول باید تلاش

کند سازماندهی

و فرماندهی واحد

گروه‌های مقاومت

صورت عمل به

خود بگیرد و اینها

به صورت یک

سازمان شناخته‌شده

بین‌المللی به

رسمیت شناخته

شوند و با هم و با

دنیا کار کنند.

ایران نباید وارد درگیری نظامی با اسرائیل شود



محمد خواجهویی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر مسائل خاورمیانه

«چه باید کرد؟» این روزها و در آستانه سالگرد جنگ در غزه و هم‌زمان با تشدید درگیری‌ها میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان، این پرسش بیش از هر زمان دیگری در فضای ایران و متحدان منطقه‌ای آن مطرح می‌شود. اما پاسخی می‌تواند راهگشا باشد که شفاف و بی‌پرده و در عین حال مسئولانه و مبتنی بر توجه به مقدرات و محذورات باشد. هیچ انتخاب و سیاستی، بی‌هزینه نیست و آنچه وظیفه یک سیاستمدار است، انتخابی است که بیشترین فایده و کمترین هزینه را دارد و در عین حال در زمان مناسب اتخاذ شود.

در پاسخ به این پرسش که چه باید کرد، با صدای بلند و بدون هیچ پرده‌پوشی باید گفت که ایران نه تنها نباید خود را وارد درگیری نظامی با اسرائیل کند بلکه باید فوراً زمینه‌ای را برای خروج آبرومندانه حزب‌الله از جنگ اخیر و جلوگیری از آسیب بیشتر به آن فراهم کند و نگذارد غزه‌ای دیگر این بار در لبنان رخ دهد و حزب‌الله نیز به سرنوشت حماس دچار شود.

باید به دور از شعارزدگی، واقع‌نگر بود. عملیات هفتم اکتبر حماس علیه اسرائیل، گرچه واکنشی به سال‌ها اشغالگری و محاصره بود و ضربه امنیتی، اطلاعاتی و نظامی بزرگی به اسرائیل وارد کرد اما در عین حال از آنجا که در آن محاسبه درستی از آینده و نوع واکنش وحشیانه اسرائیل نشده بود، زمینه‌ای را ایجاد کرد که هم حماس و گروه‌های مقاومت فلسطین ضربه‌ای سخت بخورند و هم بیش از ۴۱ هزار فلسطینی در حملات جنایتکارانه اسرائیل، کشته شوند و غزه تبدیل به ویرانه شود.

ایران و دیگر متحدان آن از جمله حزب‌الله لبنان ناخوابسته درگیر تحولات بعد از عملیات هفتم اکتبر شدند. چراکه به گواه همه طرف‌ها، عملیات حماس، اقدامی یکجانبه و بدون هماهنگی با دیگر اجزاء محور مقاومت بود. استراتژی ایران در طول دهه‌های اخیر، تقابل تدریجی و در یک روند آرام با اسرائیل و پرهیز از تقابل مستقیم با آن بود. عملیات حماس، فرصتی را به اسرائیل داد که با حملات بی‌سابقه به گروه‌های مقاومت فلسطینی و لبنانی متحد ایران، به سمت توقف این روند تدریجی علیه خود حرکت کند و این هوشمندی باید وجود داشته باشد که این خسارت، این بار در لبنان و یا حتی خود ایران تکرار نشود.

حزب‌الله با وجود آنکه به گفته دبیرکل آن، از عملیات هفتم اکتبر اطلاعی نداشت اما از فردای آن عملیات، جبهه‌ای را در جنوب لبنان و در دفاع از غزه علیه اسرائیل باز کرد. حزب‌الله در عین حال که به دنبال درگیر کردن نیروهای اسرائیل بود اما اقداماتش محتاطانه و با هدف پرهیز از جنگ فراگیر بود. اما حکایت آنجاست که نمی‌شود زیر باران آمد و خیس نشد. این راهبرد حزب‌الله، زمانی با چالش روبه‌رو شد که اسرائیل خواست هر طور شده تکلیف جبهه شمال خود را روشن کند و قدرت بازدارندگی خود را احیا کند و برای این کار به صورت پله‌پله درگیری با حزب‌الله را تشدید کرد و آن را در یک تنگنا قرار داد. حملات تدریجی و هدفمند به پایگاه‌ها و انبارهای تسلیحاتی حزب‌الله، ترور فرماندهان ارشد نظامی آن از جمله فواد الشکر و ابراهیم عقیل و عملیات امنیتی رعب‌انگیز انفجار پیچرها

و بی‌سیم‌ها که به اذعان سیدحسین نصرالله بزرگترین ضربه امنیتی به حزب‌الله بود، استراتژی مرگ با هزار ضربه چاقویی بود که اسرائیل علیه حزب‌الله در پیش گرفت که ضربات بی‌سابقه‌ای را به دشمن دیرینه خود وارد کند. گرچه حزب‌الله همچنان قدرت ضربه زدن به اسرائیل را دارد اما ضربه‌پذیری آن نیز بسیار بالا رفته است. ادامه این روند چیزی جز تضعیف بیشتر حزب‌الله نخواهد بود و پرواضح است که تضعیف حزب‌الله در کنار حماس، به موقعیت ایران و محور مقاومت هم آسیب خواهد زد.

بحران اخیر در منطقه، راهکار نظامی ندارد. ایران گرچه دشمن اسرائیل است اما نیاز به تعیین محدوده تنش برای مهار آن وجود دارد. جنگ فراگیر با اسرائیل نیاز به توان نظامی و اطلاعاتی بسیار بالایی دارد. هر ضربه‌ای به اسرائیل با ضربه چندبرابری آن مواجه می‌شود. اشراف اطلاعاتی اسرائیل، قدرت استفاده از ابزارهای نظامی را نیز از محور مقاومت گرفته است. تاکنون هیچ‌یک از عملیات‌های نظامی و موشکی به اسرائیل، بازدارنده نبوده و واکنش گسترده‌تر اسرائیل را در پی داشته است.

در چنین شرایط دشواری، ایران باید فوراً جلوی ضرر را بگیرد. در درجه نخست، سیاست پرهیز از ورود به درگیری مستقیم با اسرائیل همچنان باید استمرار یابد.

این سیاست بی‌هزینه نیست اما قطعاً بهینه‌تر از ورود به وضعیت پرابهام جنگ است که آسیب‌هایش غیرقابل کنترل است. ایران گرچه می‌تواند به اسرائیل ضرباتی وارد کند اما هیچ تضمینی نیست که ضربات گسترده‌ای را از طرف اسرائیل و حتی آمریکا متحمل نشود.

در شرایطی که با روی کار آمدن دولت وفای ملی اندک امیدی برای بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی ایجاد شده، از بین رفتن زیرساخت‌ها در یک جنگ احتمالی، ایران را به دهه‌ها قبل بر می‌گرداند و سرخوردگی ملی نتیجه آن خواهد بود. اساساً هم استراتژی ایران هیچ‌گاه رویارویی مستقیم با اسرائیل نبوده است.

از سوی دیگر ایران باید به سمت ترغیب حزب‌الله برای پایان دادن به درگیری با اسرائیل و بازگشت ترتیبات امنیتی آن منطقه به قبل از عملیات هفتم اکتبر و در چارچوب قطعنامه ۱۷۰۱ برود. بدیهی است پایان دادن به درگیری‌ها از سوی حزب‌الله، بهانه را از اسرائیل برای ادامه درگیری در لبنان می‌گیرد چراکه خود مقام‌های اسرائیل نیز تأکید کرده‌اند که مسئله اصلی نه جنگ فراگیر با لبنان بلکه ایجاد امکان برای بازگشت ساکنان مناطق شمال اسرائیل به خانه‌های خود است. حزب‌الله گرچه با ادامه شرایط کنونی می‌تواند بازدارندگی اسرائیل را مخدوش کند اما استمرار این وضعیت باعث تضعیف خود و از بین رفتن بیشتر داشته‌های اندوخته خود در این سال‌ها می‌شود. سیاست مسئولانه ایران، باید حمایت از امنیت ملی خود و نیز حفاظت از متحدان خود از جمله حزب‌الله و کلیت لبنان باشد. مذاکره با آمریکا و فرانسه و کشورهای منطقه، برای پیشبرد طرحی برای پایان دادن به درگیری‌ها در لبنان، باید اولویت جدی دستگاه سیاست خارجی ایران باشد. همچنان که دکتر پزشکیان در نیویورک هم گفت که نباید گذاشت لبنان تبدیل به غزه دوم شود. باید تا قبل از تشدید درگیری‌ها و ورود زمینی احتمالی اسرائیل به لبنان، ابتکار عمل را در دست گرفت. شجاعت در اقدامات متهورانه و بدون دراندیشی نیست بلکه شجاعت در اتخاذ تصمیمات سخت اما عقلانی برای جلوگیری از آسیب‌های بیشتر است.



دیپلمات‌ها



تمایل بیشتر تهران برای همکاری

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت که پس از گفت‌وگوهایش با مقامات ایرانی در حاشیه نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، تمایل بیشتری را در آن‌ها برای تعامل با آژانس در راستای مذاکراتی هدفمندتر احساس کرده است و ابراز امیدواری کرد که در اکتبر به ایران سفر کند. خبرگزاری رویترز گزارش داد که گروسی در گفت‌وگویی با این رسانه گفت: «آنچه شاهدش هستیم، ابراز تمایل برای تعامل دوباره با ما به روشی هدفمندتر است.» گروسی به رویترز گفت که مایل است، به سرعت، پیشرفتی واقعی در احیای مذاکرات فنی با ایران ایجاد کند و در نظر دارد در اکتبر برای دیدار با «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور ایران به تهران سفر کند.

ادعای ضدایرانی ستاد ترامپ

مدیر ارتباطات کارزار انتخاباتی «دوالت‌ترامپ» نامزد جمهوری خواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا در بیانیه‌ای مدعی شد که او روز سه‌شنبه توسط اطلاعات ایالات متحده درباره تهدیدات مرگ از سوی ایران مطلع شده است. مدیر ارتباطات کارزار ترامپ همچنین مدعی شد که مقامات اطلاعاتی دریافت‌اند این حملات مداوم و هماهنگ در چندماه گذشته افزایش یافته است. ترامپ نیز با استناد به این ادعاهای پیمایی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس مدعی شد: تهدیدهای بزرگ علیه جان من توسط ایران. کل ارتش ایالات متحده در حال تماشا و منتظر است. ایران قبلاً اقداماتی انجام داده بود که نتیجه‌اند اما آن‌ها دوباره تلاش خواهند کرد. برای هیچ‌کس شرایط خوبی نیست.

ادامه سر مقاله

هضم این ضربه نیز سخت بود، که سخنان و رفتار پزشکیان حول این متمرکز شد که: «اما دعواندایم و نباید دعوا کنیم». جمله و گزاره‌ای که برای مردم ایران کاملاً آشناست. این رویکرد نان تندر و دلواپسان (براندازان داخلی) را آجر کرد؛ چون کاری جز توهین و ناسزاگویی و دعوا بلد نیستند. زندگی و حیات سیاسی آنها در دعوا است. نان و نام‌شان در دعواست. ناتی که در ماه‌های گذشته آجر و نایمی که به‌شدت لکه‌دار شده بود. در ادامه همین روند، سفر رئیس‌جمهور به مجمع عمومی سازمان ملل و مواضعی که برای خیر عمومی ایران و مردم کشورش در آنجا گرفت، نیز به مذاق تندر و خوش نیامد و آن را فرصت مغتنمی شمرند تا شمشیر را از غلاف درآورند و خود را برای دعوا به میانه میدان بیناندازند. غافل از اینکه پزشکیان و طرفداران این خط‌مشی دعواندازند. حال آنان با کسی می‌خواهند دعوا کنند؟ میدان دعوا خالی است. همه شما که نام خود را در نوبت اعزام به غزه نوشته بودید و سعادت یارتان نبود، اکنون می‌توانید به لبنان بروید و صداقت خود را از آزمون و اثبات کنید. اطمینان داشته باشید که پزشکیان و کسانی که برای وفای آمده‌اند، دعوا نخواهند کرد. میدان دعوا برای خودتان. اتفاقاً حمله به پزشکیان در سراسر بهترین بخش سخنان وی بود که خلع سلاح کلی را در منطقه پیشنهاد می‌کرد که به‌طور قطع مخالف اول آن رژیم اسرائیل است. البته، دیگری هم در کشورهای منطقه هستند که با این ایده مخالف هستند. در این میان، یک نکته نباید نادیده گرفته شود و آن، نحوه مواجهه قضایی دادگستری تهران و دستگاه‌های امنیتی با منتقدین یا ناسزاگویان به آقای رئیس‌جمهور است. ما از آزادی بیان دفاع می‌کنیم. حتی اگر با لحن گزنده و نامناسب باشد. باید این موارد را تحمل کرد تا نهال آزادی تنومند شود و صاحبان قدرت حساب کار خود را بنمایند. ولی رواج معیارهای دوگانه زیان‌بار است. نمی‌شود که تندر و مواضعی بی‌مصونیت پیگرد برخوردار باشند و بی‌محبا علیه هر کس هر چیزی خواستند بگویند و هر لیجاری را بار کنند؛ ولی برخورد و احضار و رسیدگی صورت نگیرد. ولی دیگران با بیان موارد کوچک یا عادی بلافاصله احضار شوند. این شکل مواجهه دوگانه، به سود کشور و دستگاه قضائی و عدلیه نیست. حملات علیه پزشکیان از هتاک و ناسزاگویی هم گذشته است. چنین جملاتی به زبان شخص اونیسست، ولی اگر رسیدگی نشود، از یک سو اعتبار بی‌طرفی نهاد دادرسی را از میان می‌برد و از سوی دیگر، فضای عمومی کشور را آلوده و مسموم می‌کند و این بزرگترین زیان برای کشور است.